

جشن طلاق برای رسوایی یک خائن!

گروه حوادث/ در حالی که علل و خواسته‌های اغلب زوجین در مراجعه به دادگاه خانواده شباهت بسیاری به هم دارند اما گاهی با زن و شوهرهایی مواجه می‌شویم که خواسته‌هایشان قدری عجیب است. درست همانند خواسته مهسا که به همراه وحید برای درخواست طلاق آمده‌اند. او یک خواسته دارد طلاق و بخشش مهریه به شرط برگزاری جشن طلاق!

بحث آنها بیشتر از آنکه به مشکلات عدیده زوجین دیروزی شبیه باشد خواسته‌ای عجیب است. از مهسا اصرار بر برگزاری جشن طلاق و از وحید انکار و طفره از این خواسته.

بالاخره منشی شعبه آنها را به داخل فراخواند. قاضی میانسال با مرور پرونده‌شان سرش را بلند کرد و رو به مهسا کرد و گفت: اگر قصد جدایی است چرا با جشن طلاق؟! مشکل چیست؟



مهسا جواب داد: جناب قاضی من تحت تأثیر فضای مجازی و داستان‌های خیالی نبوده و نیستم. من خواسته‌ام برگزاری جشن طلاق است تا فردا بعد از جدایی‌مان خانواده وحید به دوستان و فامیل‌هایشان نگویند که من مشکلی داشتم. من می‌خواهم در آن جشن دست خیانتکار او را برای همه اقوامشان باز کنم و بدانند که من در این ماجرا بی‌تقصیرم.

قاضی پرسید واضح‌تر صحبت کن. مگر همسرت چه خیانتی به تو کرده که نمی‌توانی بدون جشن طلاق او را رها کنی؟

مهسا گفت: چند سال پیش در یک میهمانی وحید را دیدم. از آنجا که جوان خوش قیافه و خوش‌تیپ بود به او علاقه‌مند شدم و پس از آنکه درخواست دوستی داد پذیرفتم. بعد از ۲ ماه نامزد کردیم و ۶ ماه بعد هم عروسی گرفتیم. اما بعد از ۳ سال متوجه موضوعی شدم که هیچ‌وقت انتظارش را از کسی که مدعی بود عاشقانه دوستم دارد نداشتم. چند ماه پیش وقتی تلفن همراهش را نگاه می‌کردم متوجه پیامک‌های احساسی او با یکی از دوستانم شدم. با وجود انکارش وقتی بیشتر حواسم را جمع کردم دیدم ظاهراً این آقا به سحر که دوست مشترک من و خواهرش است، علاقه‌مند شده و فراموش کرده که من همسرش هستم. حالا هم نمی‌خواهم مانع ارتباط او با دوستم شوم اما می‌خواهم در ازای بخشش مهریه‌ام که ۸۰۰ سکه بهار آزادی است جشن طلاق بگیرم و به اقوام و دوستان این آقا بگویم که او را بشناسند و بدانند که یک خائن است! در همین لحظه وحید با لحنی طلبکارانه گفت: جناب قاضی دروغ می‌گوید. من هیچ ارتباطی با سحر نداشتم و برایش سوگناه‌م شده. من فقط احساساتم را برایش بیان کردم وگرنه هیچ علاقه‌ای به او ندارم. من زندگی‌ام را دوست دارم و به هیچ‌وجه حاضر به طلاق دادن همسرم نیستم. اصلاً نمی‌دانم جشن طلاق چه صیغه‌ای است.

قاضی رو به وحید کرد و گفت: شما همیشه احساسات را به دیگران در قالب علاقه‌مندی ابراز می‌کنی؟

وحید جواب داد: اصلاً تقصیر خودش است. این خانوم اصلاً به من توجهی نمی‌کند و به جای اینکه به من و زندگی‌مان تمرکز کند همه فکرش رفتن به کلاس‌ها و برنامه‌هایی است که با دوستانش گذاشته. اصلاً چرا وقتی چند ماه سحر به خانه ما می‌آمد و جلوی خودش به من محبت می‌کرد، اعتراضی نداشتم. حالا با چند تا پیامک من خائن شدم! اگر سحر مشکلی داشت چرا گذاشت به خانه‌مان رفت و آمد کند. بعد هم مقصر من نیستم مقصر تویی که به من توجه نکردی و حالا هم ما را در مسیر جدایی قرار دادی.

مهسا که در حال گریه کردن بود به دستمالی چشم‌هایش را پاک کرد و گفت: جناب قاضی ارتباط وحید با سحر آنقدر عمیق شده که همه نزدیکانمان فهمیده‌اند. او آبروی من را جلوی خانواده‌ام برده و دوست ندارم حتی یک لحظه با او زیر یک سقف زندگی کنم. وحید در پاسخ به مهسا گفت: هر کاری می‌کنم اما جشن طلاق نمی‌گیرم.

مهسا جواب داد: تو خیانت کردی و باید تاوانش را بدهی. یادت نرفته که پدرت پرداخت مهریه‌ام را ضمانت کرده و اگر مجبور شوم خانه پدرت را به جای مهریه می‌گیرم. پس یا به خواسته‌ام توجه کن یا تا ریتال آخر مهریه‌ام را از تو و پدرت می‌گیرم.

در این لحظه قاضی زوج جوان را به آرامش دعوت کرد و گفت: فکر می‌کنم شما به چند جلسه مشاوره نیاز دارید تا ببینم مشکلاتتان مشاوره حل خواهد شد یا راه چاره‌ای ندارید.

■ امیرحسین صفدری کارشناس خانواده

متأسفانه این روزها زوج‌های جوان توجه زیادی به الزامات زندگی مشترکشان ندارند. در این پرونده هم به نظر می‌رسد که زوجین دچار طلاق عاطفی شده‌اند و این مسأله موجب شده تا وحید برای رفع نیاز عاطفی خودش به فرد دیگری رجوع کند. زوجین باید یاد بگیرند که برای بیان احساساتشان تنها به همسرشان بسنده کنند و به گونه‌ای هم رفتار نکنند که افراد سودجو همانند سحر با آگاهی از فضای ملتهب بین زوجین از آب گل آلود ماهی بگیرند. بی‌توجهی به این مهم می‌تواند کانون یک خانواده را از هم بپاشد همانند این زوج که در ابتدای راه با معضل خیانت روبه‌رو شده‌اند.

اعتراف شوهر

به قتل همسر و صاحبخانه اش

گروه حوادث: مرد میانسال که همسر و صاحبخانه‌اش را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود، قبل از خروج از شهر دستگیر شد. سرهنگ یدالله نوروزی، فرمانده انتظامی فاروج در تشریح این خبر گفت: با اعلام خبر قتل یک زن و صاحبخانه‌اش در شهر فاروج به پلیس، در بررسی‌های انجام شده مشخص شد که شوهر ۶۵ ساله این زن با ضربات متعدد چاقو، همسر و صاحبخانه خود را به قتل رسانده و از محل متواری شده است.

وی با بیان اینکه متهم به مواد مخدر اعتیاد داشته است، افزود: قاتل در حالی که قصد خروج از شهرستان را داشت در عملیاتی غافلگیرانه توسط مأموران دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شد. متهم در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به قتل‌ها علت این جنایات‌ها را اختلافات خانوادگی عنوان کرد که منجر به مشاجره و در نهایت قتل همسر و صاحبخانه توسط این فرد شد.

دختر مقتول در دادگاه:

برادرم را می‌بخشم

تحمل مرگش را ندارم

گروه حوادث/ پسر معتادی که پدرش را به قتل رسانده و مادرش را مجروح کرده بود، موفق شد با اخذ رضایت از خواهر بزرگش از قصاص نجات پیدا کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته با گزارش یک درگیری مرگبار خانوادگی آغاز شد و مأموران پس از حضور در محل جنایت متوجه شدند که پسر جوانی به نام امید پدرش را با ضربات چاقو از پا درآورده و مادرش را نیز مجروح کرده و پس از آن هم متواری شده است. تحقیقات اولیه مأموران نشان می‌داد که امید فرزند کوچک خانواده بوده که به‌خاطر اعتیاد به مواد مخدر از مدتی قبل با خانواده‌اش اختلاف پیدا کرده و از خانه طرد شده بود که با ردیابی ۲ روزه مأموران وی در ورامین شناسایی و بازداشت شد. امید پس از دستگیری و در همان ابتدای بازجویی به قتل پدرش اعتراف کرد و در تشریح

ماجرا گفت: مدتی است که به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده‌ام و همین موضوع باعث شد تا پدر و مادرم مرا از خانه بیرون کنند و من هم از سر ناچاری کارتن‌خواب شده بودم. با اینکه وضع مالی پدرم خوب بود اما او حاضر نبود برای من هزینه کند. روز حادثه برای گرفتن پول مواد از مادرم به خانه رفتم، فکر می‌کردم پدرم در خانه نیست. اما وقتی پدرم موضوع را فهمید باهم درگیر شدیم و من در یک لحظه کنترل‌م را از دست دادم و با چاقو ابتدا به او چند ضربه زدم و پس از آن هم مادرم را زخمی کردم و بعد هم از خانه بیرون آمدم. پس از اعترافات امید و تکمیل تحقیقات، کیفرخواست علیه او صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران

فرستاده شد. در جلسه دادگاه، خواهر و برادر متهم اعلام گذشت کردند اما خواهر بزرگتر او که ناتنی بود درخواست قصاص کرد. او به قضات گفت: پدرم خیلی تلاش کرد تا امید اعتیادش را کنار بگذارد اما او دست‌بردار نبود و در آخر هم او را کشت و حالا هم به خاطر کاری من از خواهر بزرگم هم درخواست بخشش دارم.

ما رابطه خیلی خوبی با هم داریم و اینکه مادرمان یکی نیست باعت نشده بین ما اختلافی باشد. من می‌دانم خواهرم از من ناراحت است و به او حق می‌دهم که از من عیبانی باشد. پدرمان مرد خوبی بود و من با اشتباهم باعث نابودی او شدم.

متهم سپس از دادگاه اجازه خواست تا با خواهرش صحبت کند. او به طرف خواهرش رفت و به دست و پای او افتاد. امید در حالی که بشدت اشک می‌ریخت از خواهرش حالیت خواست و بعد هم به او گفت اگر راضی هستی که قصاصم کنند حرفی ندارم. در این هنگام خواهر بزرگ امید او را از روی زمین بلند کرد و به قضات گفت: او را بخشیدم. شاکي با گریه ادامه داد: امید برادرم است و تحمل دیدن او را در این وضعیت ندارم. همان‌طور که مصیبت مرگ پدرم برایم خیلی سخت بود، مصیبت مرگ برادرم هم خیلی بزرگ است، او را می‌بخشم. به این ترتیب پرونده با

اتهام قتل عمد در پرونده

خواننده معروف

گروه حوادث/ پرونده خواننده رپ که به اتهام قتل پدر خوانده‌اش با قرار وثیقه آزاد شده بود با صدور کیفرخواست به اتهام قتل عمدی به دادگاه کیفری فرستاده شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه ۲۴ مرداد سال ۹۶ و به‌دنبال درگیری حمید با نابدری‌اش رخ داد، مرد ۶۶ ساله راهی بیمارستان و سه روز بعد نیز تسلیم مرگ شد.

حمید نیز دستگیر شد اما در تحقیقات جنایت را قبول نکرد و گفت: روز حادثه با مقتول بچتم شد و یک گلدان برداشتم و به دیوار کوبیدم تا او را بترسانم. بعد به سمتش رفتم و ضربه‌ای به صورتش زدم تا اینکه همسایه‌ها با شنیدن صدای دعوا مقابل خانه ما آمدند و دعوا خاتمه یافت. آن روز همراه مادرم از خانه خارج شدیم، بعد از ساعتی حال هوشنگ بد شد و بعد هم فوت کرد.

متخصصان پزشکی قانونی در تحقیقات اولیه علت مرگ قربانی را خونریزی و آسیب مغزی بر اثر اصابت جسم سخت به سرش اعلام کردند. اما اولیای دم و متهم به نظریه پزشکی قانونی اعتراض کردند و این پرونده چندین بار



کیفرخواست رپر معروف به اتهام قتل عمد صادر شد.

بدین ترتیب پرونده برای بررسی و صدور حکم به دادگاه کیفری تهران ارجاع خواهد شد تا در صورت تأیید حکم خواننده معروف از سوی قضات دادگاه، قرار وثیقه او به بازداشت تغییر کند.

کشف جسد دختر مزون دار در خانه

گزارش این حادثه بلافاصله به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد.بدنبال اعلام این خبر تیم تحقیق راهی محل حادثه که طبقه سوم ساختمانی در غرب تهران بود، شدند. با حضور در محل و بررسی جسد، طبق گفته متخصصان پزشکی قانونی از زمان مرگش حدود دو هفته می‌گذشت. روی جسد دختر جوان، آثار خراش و زخم دیده می‌شد که این فرضیه را مطرح کرد جسد دختر جوان را روی زمین کشیده‌اند و احتمالاً محل مرگ، جای دیگری از خانه بوده است.

■ سرقت از خانه

به‌هم‌ریختگی خانه حکایت از سرقت داشت. خانواده فروش نیز اعلام کردند: دخترشان از درآمدی که به‌دستی می‌آورد دلار خریداری می‌کرد اما دلارهایش به سرقت رفته است، همچنین آنها مدعی شدند فروش لباس‌های مزون و عروس داخل مغازه را به خانه هم می‌آورد، اما از لباس‌ها نیز خبری نبود. باتوجه به مرگ مشکوک دختر ۲۶ ساله، به دستور بازپرس مصطفی واحدی جسد برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور تحقیقات در رابطه با مرگ او را صادر کرد.

گروه حوادث/ راز ناپدید شدن دو هفته‌ای دختر مزون دار با کشف جسد وی در خانه‌اش در حالی فاش شد که دلارها و لباس‌های گران قیمت وی نیز به سرقت رفته بود. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱ صبح ۱۹ آذر مردی به کلانتری ۱۴۰ باغ فیض رفته و از ناپدید شدن دخترش فروش خبر داد. وی گفت: وقتی دخترم در یکی از دانشگاه‌های تهران قبول شد از شهر محل زندگی مان برای ادامه تحصیل به اینجا آمد. اما دررشن که تمام شد چون در پایتخت کار پیدا کرده بود همین جا ماندگار شد. دخترم یک مزون لباس زنانه و لباس عروس داشت. گاهی به او سر می‌زدیم تا اینکه چندی قبل سر موضوعی با او بحث مان شد و قهر کرد، مدتی تلفن هایمان را جواب نمی‌داد تا اینکه نگران شده و به تهران آمدم اما در خانه‌اش را نیز باز نکرد. از همسایه‌ها پرسیدیم آنها گفتند چند روزی است که از فروش خبر ندارند و فکر می‌کردند به دیدن ما به شهرستان آمده است. همین مسأله ما را نگران کرد و باعث شد تا به کلانتری برویم.

■ جسدی روی تختخواب

بدین ترتیب مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض با هماهنگی‌های قضایی راهی خانه دختر جوان شده و پس از ورود به خانه با جسد فروش روی تختخواب مواجه شدند.

مرگ مرموز ۶ نفر در باغ شخصی

گروه حوادث/ آتش‌سوزی مرموز در اتاقک یک باغ شخصی حوالی بزرگراه آزادگان ۶ کشته برجنا گذاشت.

سید جلال ملکی سخنگوی آتش‌نشانی در این‌باره گفت: ساعت ۹:۴۷ صبح پنجشنبه (۲۰ آذر) رهگذران متوجه دود غلیظی شدند که از یک باغچه در بزرگراه آزادگان، خیابان صفا بلند شده بود و موضوع به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که به سرعت آتش‌نشانان سازمان آتش‌نشانی تهران به محل حادثه اعزام شدند. محل حادثه منطقه مسکونی نبود و بیشتر زمین‌های کشاورزی، باغ و باغچه در آن قرار دارند. در یکی از باغچه‌ها به وسعت حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ متر دو اتاقک کوچک به وسعت حدود ۲۰ تا ۳۰ متری وجود داشت که دارای سربیس بهداشتی و آشپزخانه بود. ملکی ادامه داد: اتاق‌های مذکور دچار آتش‌سوزی شده که آتش‌نشانان پس از ورود به اتاق‌ها، آتش را خاموش کرده و حین خاموش کردن آتش با اجساد ۶ نفر مواجه شدند که دو نفر سوختگی بسیار شدیدی داشتند و چهار نفر دیگر که در بخش دیگری از این منزل قرار گرفته بودند، سوختگی کمتری داشتند که به تأیید عوامل اورژانس مشخص شد هر ۶ نفر جان خود را از دست داده بودند. روی دیوارهای این اتاق‌ها کاملاً آثار سوختگی مشهود و حاکی از آن بود که حداقل در دقایق نخست حرارت بسیار زیاد بوده است. به گفته ملکی، در نهایت آتش خاموش و محل تحویل عوامل انتظامی و قضایی شده است تا بررسی‌های لازم در این رابطه صورت بگیرد.

ساعت ۶:۵۰ دقیقه صبح جمعه خبر واژگونی دستگاه تریلر در مسیر شمال به جنوب بزرگراه امام علی، بعد از پل سیلان به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اطلاع داده شد که بلافاصله دو ایستگاه آتش‌نشانی به‌همراه جرثقیل ۵۵ تن سازمانی، به محل اعزام شدند. پس از حضور آتش‌نشانان به محل مشخص شد که یک دستگاه تریلر که بار نداشته به هنگام حرکت از مسیر خارج شده و بعد از برخورد با دیواره‌های حاشیه سمت راست بزرگراه واژگون شده است. سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در تشریح این حادثه گفت: در اثر این حادثه نشت گازوئیل در محل اتفاق افتاده بود که بلافاصله با حضور عوامل راهور کنترل تردد صورت گرفت. آتش‌نشانان عملیات را آغاز کردند و راننده را که مردی حدوداً ۴۵ ساله بود و داخل خودرو حبس شده بود پس از بلند کردن تریلر با جرثقیل بیرون کشیدند، اما با تحویل این فرد به عوامل اورژانس مشخص شد که وی جان خود را از دست داده است.

مرگ زن جوان در آسانسور

عملیات سازمان آتش‌نشانی تهران درباره جزئیات این حادثه اظهار کرد: وقتی نیروهای آتش‌نشانی به محل حادثه که یک ساختمان مسکونی پنج طبقه ۲۰ واحدی بود رسیدند، مشاهده شد که زنی ۴۰ ساله به علتی نامعلوم بین کابین آسانسور و طبقه پارکینگ گیر کرده و بیهوش شده است. آتش‌نشانان پس از قطع جریان برق آسانسور، با رعایت موارد ایمنی اقدام به هم‌سطح‌سازی کابین آسانسور در پارکینگ ساختمان کردند و سپس شخص مصدوم را از کابین بیرون آوردند. اما امدادگران اورژانس مرگ وی را تأیید کردند.



واژگونی مرگبار تریلی در بزرگراه

گروه حوادث: راننده تریلی پس از واژگونی خودرواش در بزرگراه امام علی جان باخت.

گروه حوادث: زن جوان پس از محبوس شدن بین کابین آسانسور و طبقه پارکینگ، جان خود را از دست داد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۶:۱۵ روز پنجشنبه ساکنان یک ساختمان مسکونی در بلوار دستواره، خیابان یاسین در تماس تلفنی با سامانه ۱۲۵ از محبوس شدن یک زن میان کابین آسانسور خبر دادند که ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران پس از دریافت اطلاعات، بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه ۹ و تیم امداد و نجات ۱۷ را به محل حادثه اعزام کرد. احمدعلی زارع تیموری؛ افسر آماده منطقه هفت